

زنان چشم به راه طرح‌های حمایتی



احترام، امنیت، شغل؛ خواسته‌های زنان را با کمی اغماض می‌توان در این سه کلمه جا داد. احترام، امنیت، شغل؛ هم در خانه هم در اجتماع. زنان اگر به این سه حق برسند مشکلات زیادی را پشت سر خواهند گذاشت.

جام جم آنلاین: احترام، امنیت، شغل؛ خواسته‌های زنان را با کمی اغماض می‌توان در این سه کلمه جا داد. احترام، امنیت، شغل؛ هم در خانه هم در اجتماع. زنان اگر به این سه حق برسند مشکلات زیادی را پشت سر خواهند گذاشت. نباید فقط به تهران نگاه کرد یا فقط به شهرهای بزرگ که زنانشان را بال و پر داده‌اند و کمی از مشکلاتشان کاسته‌اند. باید همه زن‌های ایران را در نظر گرفت، زنان حاشیه مرزها، آنهایی که همراه ایل کوچ می‌کنند و زن‌هایی که در دورافتاده‌ترین نقاط ایران به سبک زنان کشورهای عقب مانده همسایه زندگی می‌کنند.

اما اینجا در تهران آن هم در محل کار برنامه‌نویسان و تصمیم‌گیرندگان وضع طور دیگری است. اینجا طرح‌های زیادی به ذهن طراحان و فعالان حوزه زنان و خانواده می‌رسد، پیشنهاد های زیادی ارائه می‌شود، برنامه‌های زیادی نوشته می‌شود، ساعت‌ها وقت صرف می‌شود اما وقتی نوبت اجرا می‌رسد، کارها به سختی پیش می‌رود.

حتی پیشنهادهای خوبی که منافع زیادی برای زنان دارد خیلی سخت و دیر تبدیل به قانون می‌شود که شواهدش هم بسیار است. یک ماه است که سال 90 به آخر رسیده اما هنوز بسیاری از طرح‌هایی که در این سال، نام زنان و خانواده به آنان منگنه شده به ثمر نرسیده است.

طرح پیشگیری از بحران اعتیاد در آرایشگاه‌ها که معاون خانواده مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری طراح آن بود از جمله این طرح‌هاست. پارسال این گونه هدف‌گذاری شد که به منظور هشداردهی به زنان، بروشورها و سی‌دی‌هایی در آرایشگاه‌های زنانه استان تهران توزیع شود تا مراجعان این مراکز را نسبت به مواد مخدر و پیامدهای اعتیاد آگاه کند، اما حالا که سال 90 تمام شده همه ما زنان که مشتری این مراکزیم گواهی می‌دهیم که هیچ بروشور یا سی‌دی هشداردهنده‌ای دریافت نکرده‌ایم.

تشکیل بانک اطلاعات آمار اشتغال زنان هم پیشنهاد دیگری است که سال گذشته در دفتر امور زنان وزارت کشور متولد شد یعنی پیشنهادی که می‌کوشید تمام نیازهای مربوط به اشتغال زنان را بررسی کند که البته در نهایت، تا پایان سال فقط برای آن یک بسته پژوهشی به تصویب رسید.

سرانجام طرح پیشنهادی مشاور امور زنان رئیس‌جمهور درباره احداث بیمارستان ویژه زنان که تک‌تک پرسنل آن را زنها تشکیل می‌دهند نیز مشابه طرح‌های نافرجام دیگر شد به طوری که تنها دستاورد سال 90 برای این پیشنهاد، تاکید مسوولان بر لزوم احداث چنین بیمارستانی بود.

ایجاد کمیسیون زن و خانواده در مجلس شورای اسلامی هم که به نتیجه دلخواه نرسید و برخلاف پیشنهاددهنده این طرح که گمان می‌کرد داشتن یک کمیسیون ویژه که مسائل مربوط به زنان را به شکلی تخصصی پیگیری کند سایر نمایندگان و حتی برخی نمایندگان زن مجلس نیز با این پیشنهاد مخالفت کردند و پرونده این کمیسیون در سال 90 را بدون نتیجه مشخص بستند.

البته سال گذشته برخی طرح‌ها و پیشنهاد های مربوط به زنان به نتیجه هم رسید مثل آیین‌نامه تابعیت فرزندان اتباع بیگانه که از مجلس به دولت آمد و با تصویب در دولت سبب شد تا از این پس، فرزندان اتباع بیگانه که مادر ایرانی دارند بتوانند تابعیت ایرانی کسب کنند.

امنیت و احترام

با این حال طرح‌هایی که در حوزه زنان و خانواده ارائه می‌شود هنوز جای بحث دارد مثل لایحه امنیت زنان در خانه که هنوز به نتیجه مشخصی نرسیده است. هدف از تدوین این لایحه، ایجاد فضایی است که احترام و کرامت را به زنان هدیه کند یعنی نیازی که بشدت در جامعه حتی در پستوی خانه‌ها احساس می‌شود.

نکته: احترام و کرامت قائل شدن برای زنان یعنی ایجاد فضایی در خانه و اجتماع که آنها نیز درست همانند مردان قادر به شکوفا کردن

تمام توانایی‌ها و استعدادهایشان باشند

احترام و کرامت قائل شدن برای زنان نزدیک‌ترین معنی‌اش این است که به آنها احترام کلامی بگذاریم و به عنوان موجودی ارزشمند با آنها رفتار کنیم، اما مفهوم دورتر آن که مهم‌تر از تعریف نزدیک آن است به این اشاره دارد که زنان نیز درست مثل مردان از حقوقی برخوردارند و باید در فضایی زندگی کنند که توانایی‌ها و استعدادهایشان به طور کامل بروز کند بی‌آنکه جنسیتشان مانع از رسیدن به این حق باشد. اما چقدر فضای جامعه ما برای احترام گذاشتن به زنان آماده است و پیرو آن، در چه تعداد از خانه‌های ایرانی مجال برای کرامت زنان وجود دارد؟ و سوال مهم‌تر این‌که آیا می‌دانیم قبل از این‌که به موضوعات اینچنینی فکر کنیم باید دستی در قوانین مان ببریم و آنها را که با احترام و کرامت به زنان منافات دارد اصلاح کنیم و به عنوان یک مانع از سر راه برداریم؟

در حوزه زنان هیچ آمار دقیق و کاملاً قابل اعتمادی وجود ندارد اما آن چیزی که کارشناسان در حوزه‌های مختلف بیان می‌کنند و گاه نتایج بررسی‌های شخصی‌شان را هم به آن اضافه می‌کنند این است که آسیب‌ها در حوزه زنان و خانواده در حال افزایش است.

برخی کارشناسان از افزایش مرگ زنان معتاد خبر می‌دهند و بیان می‌کنند که این مرگ و میر، رشدی 4 درصدی دارد و در 10 سال گذشته به طور متوسط در هر ماه 13 زن جان خود را به خاطر اعتیاد از دست داده‌اند. برخی دیگر از این کارشناسان به افزایش آمار زنان سرپرست خانوار اشاره می‌کنند و هشدار می‌دهند که اوضاع زندگی این دسته از زنان آنچنان وخیم است که هر سه قوه باید سرعت وارد عمل شوند.

این کارشناسان نگران این موضوعند که در حال حاضر سرمایه‌ها به نام زنان بی‌سرپرست هدر می‌رود؛ در حالی که در اصل، هیچ نظارتی بر هزینه کرد این سرمایه‌ها وجود ندارد و به خاطر موازی‌کاری دستگاه‌ها و نگرش‌های بسته، امکان مهارت آموزی این زنان نیز وجود ندارد.

شغلی بی‌ارج و قرب

این هشدار برای آنهایی که به مسائل مربوط به زنان آشنا هستند موضوع دیگری را هم به ذهن می‌آورد؛ معطل ماندن بیمه زنان خانه‌دار و وعده به نتیجه نرسیده رسمی شدن شغل خانه‌داری.

سال‌هاست زنان خانه‌دار که برنامه‌ریزان و طراحان به فکر حفظ احترام و کرامتشان هستند، در انتظار بیمه نشسته‌اند. آنها در حالی که از به نتیجه رسیدن این طرح ناامید بودند سال 90 شنیدند که بزودی خانه‌داری در زمره مشاغل رسمی قرار می‌گیرد، به طوری که در آینده نه چندان دور از انواع بیمه‌های اجتماعی بهره‌مند خواهند شد.

این وعده که از زبان معاون حقوقی رئیس‌جمهور شنیده شد امیدهای زیادی در جامعه زنان ایجاد کرد هر چند هنوز از به نتیجه رسیدن این طرح نیز اثری دیده نمی‌شود. اما به اعتقاد ما به ثمر رسیدن این طرح‌ها، نیاز اصلی زنان ایرانی است و البته طرح‌های بی‌شمار دیگری که بر مبنای حقایق اجتماع نوشته شده باشد و طوری طرح نشود که اگر آن طرح به تصویب هم رسید، دردی از دردهای زنان دوا نکند.

مریم خباز / گروه جامعه